



۲۰۱۷/۰۶/۲۴



و. عطار د

طنز تحفه عید دیپلوم انجنیر موشک و "فرهنگ امید" یک سروده طنزی از: حکیم غیرنظامی گنجوی

تحشیه: یاد آن سالها به خیر که محترم آصف مایل هروی به جای افسانه های دیو و پری، ما را با داستان هایی از سرزمین خود ما آشنا می ساخت. در آن سالها قدرش را یا نمی دانستیم یا کم می دانستیم. حالا می دانیم که آن اشعار ساده چه معانی بزرگی را در خود نهفته دارند و چقدر می توانند جوابگوی برخی از بگو مگو های امروز ما باشند. اینهم یک مثنوی طنز وی به اجازه استاد محترم آصف مایل:

موشکی بود با بروت سپید	خیز میزد سر کتاب "امید"
جلدها را ورق ورق می کرد	روی هر واژه پی عرق می کرد
گه به دندان گزیده کسره یک!!	گه جویده دو فتحه "سمنک"
واژه ها بو گرفته از اثرش	واژه ها ریزه ریزه شد ز برش
جست و جو مینمود به زور بروت	مبحث قاف: قاف مثل "قروت"
لیک آنجا نیافت غیر از "کشک"	موشک افتاد بس به حسرت و رشک
گفت: حتا قروت شان کشک است!!!	بشکه های پنیر شان مشک است!!!
من قروتی، قروت می خواهم!!!	کشک همین است؟ ثبوت میخوام!!!
واژه ها فکر انقلاب کنید!!!!!!!	دیپلوم های تانه قاب کنید!!!!!!!
با ترانه: بیا، بیا و بیا!!!!!!!	ببریدش به سوی مبحث "تا"!!!!!!

صفحهٔ تا و لام و کاف برید!!!!
وان زمان پای او به دام کنید!!!!
سال دیگر به خنده بر گوید!!!!
"موش در ساعتی که جان می داد

بهر موشک یکی تلک بخريد!!!!
جشن گيريد و مي به جام كنيد!!!!
لحظهٔ مرگ وي ز سر گويد!!!!
گفت بر نفس فتنه لعنت باد!!!!"

** * **

تمت بالخیر

